

بررسی چ‌ های تقنینی قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام حقوق کیفری ایران

امین نصر^۱ aminnasr313@gmail.com

راضیه قاسمی^۲

چکیده:

قاچاق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصاد پنهان، همواره موجب خسارت‌های فراوانی به اقتصاد سالم و پویایی کشورهای جهان شده است. یکی از مهم‌ترین جرایمی که امروزه امنیت کشور را آشکارا، مستقیم و طولانی‌مدت خدشه‌دار کرده است، پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز است که بر حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور نیز، تأثیر منفی گذاشته است؛ در حال حاضر قاچاق کالا و ارز به یک معضل جدی و تهدیدکننده در اقتصاد کشور درآمده، به‌گونه‌ای که مبارزه با آن، جزء اولویت‌های قوای سه‌گانه است. با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، افق‌های جدیدی از حیث پیشگیری و مقابله با پدیده‌ی زیان‌بار قاچاق کالا و ارز گشوده شد و نوآوری‌های چشمگیری در این قانون آشکار گشت. با این وجود همواره در این حوزه با ابهامات متعدد مواجه هستیم که پیشگیری و مقابله با این پدیده‌ی شوم را با چالش مواجه کرده است؛ لذا مقاله پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآور کتابخانه‌ای به بررسی ابهامات و ی تقنینی پیش‌روی در این قانون می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است تزلزل و بی‌ثباتی در امر قانونگذاری، عدم تناسب جرایم و مجازات‌ها، رویکرد کیفرگرایی در مقابله با قاچاق و ابهام در عنصر روانی و... از مهم‌ترین ابهامات وارده بر این قانون است.

کلمات کلیدی: قاچاق کالا و ارز، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سیاست جنایی، پیشگیری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تیران

مقدمه

قاچاق^۱ کالا از جمله جرایم علیه نظام اقتصادی است و آثار زیان‌بار آن بر امر تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری، اشتغال و کاهش درآمدهای دولت بر کسی پوشیده نیست. بدین لحاظ هر کشور بنابه سابقه تمدن و اوضاع و احوال و شرایط اقتصادی و اجتماعی که دارد تدابیر و واکنش‌های کیفی برای کنترل و مقابله با این پدیده را اتخاذ نموده و مبنای سیاست کیفی خود قرار داده است (ولیدی، ۱۳۸۶: ۲۸۰). امروزه بسط و گسترش کشورها موجب شده است روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان کشورها افزایش یابد که این فزونی روابط پیامدهای سوئی را در این پهنه به دنبال دارد (احمدی، ۱۳۹۴: ۳). یکی از این پیامدها که در گستره اقتصادی توسعه یافته است و نفوذ مخربی را در حوزه تولید، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری و اشتغال در پی داشته است و باید با اهتمام با آن کارزار کرد، پدیده‌ی قاچاق است. قاچاق کالا یکی از شیوه‌های داد و ستد که شکل‌گیری آن به زمان ایجاد مرزها و قوانین اقتصادی حاکم بر این مناطق باز می‌گردد. این شیوه‌ی داد و ستد علی‌رغم زیان‌های اقتصادی برای کشور، برای ساکنان مناطق مرزی اهمیت به‌سزایی دارد؛ چراکه در اغلب موارد به عنوان تنها منشأ درآمدی آن‌ها انگاشته می‌شود (صالحی، ۱۴۰۰: ۱۱). به تعبیر قانون‌گذار در بند «الف» ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق: «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود، و بر اساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی، کشف شود». پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از خطرناک‌ترین معضلات بنیادین کشور، پدیده‌ای چند وجهی است که مبادرت آن موجب کارشکنی در نظام اقتصادی، اجتماعی و امنیت کشور می‌شود. کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت، اختلال در نظام اقتصادی، تشکیل اقتصاد زیر زمینی، فرار مالیاتی، کاهش اشتغال، هدر رفتن منابع ارزی و... از مهم‌ترین عوارض ناشی از ارتکاب قاچاق است که لازمه‌ی بررسی منشأ اصلی آن را می‌طلبد (دانشمند، ۱۳۹۴: ۲۱). حقیقت این است که قاچاق، معلول علت‌های عدیده‌ای از جمله زمینه‌های انسانی مانند فقر و یا زمینه‌های اجتماعی مانند اختلافات طبقاتی است، لکن وجود خلاءها و

1. Smuggling

آسیب‌های قانونی را می‌توان یکی از عوامل اصلی قاچاق قلمداد نمود؛ لذا رویارویی با این پدیده‌ی شوم از زمان‌های پیشین در سیاست جنایی ایران دارای اهمیت وافر بوده (شعرا، ۱۳۹۸: ۷۷) و از آن‌جا که قوانین و مقررات موجود در راستای پیشگیری و مقابله با قاچاق، دیرینه و ناکارآمد احساس می‌شد، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، تا گامی مؤثر در جهت مرتفع ساختن خلاءها و آسیب‌های سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز باشد، لکن حجم گسترده‌ی قاچاق در کشور، از گذشته تاکنون، بیانگر این مهم است که حقیقتاً سیاست‌گذاران جنایی در این حوزه نتوانسته‌اند رویکرد مناسبی برای پیشگیری و مقابله با پدیده‌ی شوم قاچاق اتخاذ کنند. همچنین ابهامات و چالش‌هایی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نمایانگر است که مانعی برای پیشگیری و مقابله با قاچاق محسوب می‌شوند. تزلزل و بی‌ثباتی در قانونگذاری، ابهام در تعریف قاچاق و توسعه‌ی مصادیق آن، ابهام در رکن روانی قاچاق و جرایم مرتبط، وجود رویکرد کیفرگرا و سرکوبگر، عدم توجه کافی نسبت به مجازات سرشاخه‌ها و قاچاقچیان اصلی و ...، از بارزترین جلوه‌های موجود در راستای پیشگیری و مقابله با قاچاق محسوب می‌شوند. لذا در مقاله‌ی پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، به بررسی ابهامات و ش‌های موجود در حوزه‌ی قانونگذاری قاچاق پرداخته خواهد شد.

۱- سیر تحولات قانون‌گذاری قاچاق کالا و ارز

قاچاق کالا، پدیده‌ای مذموم با سابقه‌ای به درازای تشکیل مرزهای ملی است و به همین دلیل، مبارزه با قاچاق نیز تاریخی طولانی دارد و در طول سالیان متمادی، دولت‌ها در تلاش برای مقابله با آن بوده و سیاست‌های مختلفی را در این باره در پیش گرفته‌اند. به‌طور خلاصه سابقه‌ی جرم‌انگاری مدون قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی ایران، به سال‌های بعد از تشکیل مجلس شورا ملی بر می‌گردد که طرح قانونی مدون برای مقابله با قاچاق کالا و ارز مطرح شد، لکن به دلیل آشفتگی‌های حاکم در زمان مذکور، اقدامی برای تصویب آن انجام نشد تا این‌که در سال ۱۳۰۶ شمسی، اولین قانون مدون در خصوص قاچاق کالا و ارز تصویب شد. بعد از تصویب قانون مذکور و بروز ناکارآمدی آن در خصوص مقابله با قاچاق کالا و ارز، در سال ۱۳۰۷ مجدداً قانونی در خصوص مقابله

با قاچاق کالا و ارز تصویب شد که در آن مقررات سخت‌گیرانه‌تری برای مقابله با قاچاق کالا و ارز تصویب شده بود، اما با این وجود همچنان به نظر می‌رسید که قانون جدید هم نتوانسته از گسترش جرم قاچاق کالا و ارز جلوگیری کند. وجود ایرادات و چالش‌هایی که به این قوانین وارد شده بود، موجب شد تا در تاریخ ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ قانون مجازات مرتکبین قاچاق کالا و ارز تصویب شود. با تصویب این قانون، تمام قوانین مرتبط با قاچاق کالا و ارز نسخ و مقررات جدیدی برای مقابله با قاچاق کالا و ارز تصویب شد. قانون مذکور سال‌ها در نظام حقوقی ایران حاکم بود تا اینکه قانونگذار در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۳ اقدام به تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نمود که در خصوص پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز، مقررات جدیدی تصویب و بسیاری از مقررات مرتبط با قاچاق کالا و ارز، با توجه به ماده ۷۷ قانون اخیر، صریحاً نسخ اعلام شد و نهایتاً در ۱۳۹۴/۷/۲۱ اصلاحاتی در قانون مذکور ایجاد شد و هم‌اکنون در خصوص پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز، لازم‌الاجراء است. با این وجود به‌جهت آثار و تأثیرگذاری بسیار مخرب پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز در حوزه‌های مختلف و تحولات شگرف جوامع، همواره چالش‌ها و ابهامات متعدد نیز در قانون مذکور در راستای پیشگیری و مقابله دیده می‌شود، کما این که در راستای پاسخ به برخی از چالش‌ها و ابهامات و خلاءهای قانونی، در زمان این نوشتار لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی، به منظور تأمین نظر شورای نگهبان و تصویب نهایی به شورای نگهبان ارسال، لکن با توجه به ایرادات وارده بر برخی از مواد آن مغایرت آن توسط شورای نگهبان اعلام و جهت اصلاح به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.

۲- چالش‌های تقنینی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲

۲-۱- تزلزل و بی‌ثباتی در قانون‌گذاری

با بررسی سابقه تقنینی در خصوص قاچاق کالا و ارز با قوانین مختلفی برخورد می‌نماییم که سابقه آن از سال ۱۳۱۲ آغاز می‌شود که از بارزترین آن‌ها می‌توان از قانون مجازات مرتکبین قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹، قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲، قانون نظام صنفی

مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، قانون امور گمرکی و قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معینه، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ و در نهایت لایحه اصلاحی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۹ نام برد که این موضوع مبین آن است که قوانین مرتبط با قاچاق کالا و ارز در غایب بی‌ثباتی و نهایت تزلزل قرار داشته و این پراکندگی قوانین می‌تواند موجب توسعه قاچاق شود، در حالی که پیشگیری و مقابله با قاچاق نیازمند تبیین یک راهبرد منسجم و سیاست کیفری مناسب بوده تا با تصویب قانونی جامع بتوان با همه اشکال قاچاق مقابله نمود.

۲-۲- تعریف قاچاق از منظر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، قانون‌گذار هیچ‌گاه درصدد تعریف قاچاق برنیامده بود و همین امر سبب تشتت یا اختلاف نظر در تعریف جرم قاچاق شده بود، سرانجام قانونگذار در قانون مذکور تعریف منسجمی از قاچاق را ارائه نموده است. مع الوصف تعریف مذکور دارای ابهاماتی است بدین شرح که در بند الف ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر شده است: «قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی، کشف شود.»

همان‌طور که مشخص است قانون‌گذار بر آن بوده است که در ماده ۱ این قانون تعریفی از قاچاق کالا و ارز ارائه کند، لکن از آن‌جا که برخی از رفتارهای ناقض قانونی که در قوانین مختلف با نقض تشریفات گمرکی واقع می‌شود، جنبه مجرمانه نداشته و از نظر قانون تخلف محسوب می‌شود، قانونگذار مجبور شده است پس از ذکر عبارت «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود» تصریح کند که این رفتار باید «بر اساس این قانون یا سایر قوانین قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد». لذا با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود»، که با توجه به این که در تعریف «قاچاق» در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از تعریف جرم استفاده شده است، ناچاراً با تشخیص مصادیق قاچاق کالا و ارز که در سایر قوانین جرم‌انگاری شده است، می‌توان نسبت به احراز قاچاق

اقدام نمود. لذا ضرورت دارد که در زمان تشکیل پرونده و یا رسیدگی به جرم قاچاق یا تخلف موضوع این قانون، صرفاً مصادیق ذکر شده در قوانین موضوعه ملاک عمل قرار گیرد و صرف وارد کردن یا خارج کردن کالا و ارز یا اقدام به آن با نقض تشریفات گمرکی به تنهایی برای قاچاق محسوب شدن رفتار کفای نمی‌کند و باید الزاماً به قاچاق بودن آن رفتار در قوانین تصریح شده باشد. لذا باید از احراز قاچاق با تفسیر موسع از تعریف مذکور احتراز شود. همچنین با توجه به این‌که در نظام حقوقی کشور ما مصادیق قاچاق در قوانین متفرقه گسترده است و در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز حتی برخی از مصادیقی که در قوانین دیگر از جمله قانون امور گمرکی در زمره‌ی تخلف گمرکی قلمداد شده است، به عنوان مصادیق قاچاق ذکر شده است، لذا همین امر می‌تواند موجب بروز مشکلاتی در حوزه تجارت خارجی شد.

۲-۳- توسعه‌ی مصادیق قاچاق

به موجب بند «الف» ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «قاچاق کالا و ارز: هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود و براساس این قانون و یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد، در مبادی ورودی یا هر نقطه از کشور حتی محل عرضه آن در بازار داخلی، کشف شود.»

همانطور که مسجل است، قانونگذار بر آن بوده است که در ماده‌ی ۱ این قانون تعریفی از قاچاق کالا و ارز پدیدار آورد، لکن از آن‌جا که شماری از رفتارهای ناقض قانونی که در قوانین مختلف با نقض تشریفات گمرکی واقع می‌شود، جنبه‌ی مجرمانه نداشته و از نظر قانونگذار تخلف قلمداد می‌شود، قانونگذار ناچاراً پس از ذکر عبارت «هر فعل یا ترک فعلی است که موجب نقض تشریفات قانونی مربوط به ورود و خروج کالا و ارز شود» تصریح داشته است که این رفتار باید «بر اساس این قانون یا سایر قوانین، قاچاق محسوب و برای آن مجازات تعیین شده باشد» (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۱۴۷). لذا با توجه به ماده‌ی ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود»، که با توجه به این‌که در تعریف «قاچاق» در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز از تعریف جرم استفاده شده است، ناچاراً با تشخیص مصادیق قاچاق کالا و ارز که در سایر قوانین جرم‌انگاری شده است، می‌توان

نسبت به احراز قاچاق مبادرت ورزید. لذا اقتضا دارد که در زمان رسیدگی به جرایم قاچاق یا تخلف موضوع این قانون، صرفاً مصادیق ذکر شده در قوانین موضوعه ملاک عمل قرار گیرد و صرف وارد کردن یا خارج کردن کالا و ارز یا اقدام به آن با نقض تشریفات گمرکی به تنهایی برای قاچاق محسوب شدن رفتار کفایت نمی‌کند و باید الزاماً به قاچاق بودن آن رفتار در قوانین تصریح شده باشد (ذاکری، ۱۳۹۴: ۴۱). لذا باید از احراز قاچاق با تفسیر موسع از تعریف مذکور تحرز شود.

۲-۴- قاچاق از حیث نوع کالا

بند ث ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر کرده است: «کالای ممنوع: کالایی که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است.»

به‌طور کلی از حیث نوع کالا، قاچاق به کالای ممنوع و غیرممنوع تقسیم می‌شود و کالای غیرممنوع نیز، به کالای مجاز، کالای مجاز مشروط و یارانه تقسیم می‌شود که هر یک از آن‌ها در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعریف شده است. در خصوص کالای ممنوع تعریفی که از آن ارائه شده است حائز اهمیت است زیرا تا قبل از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در مقررات صادرات و واردات و حتی در قانون امور گمرکی تعاریف دیگری از کالای ممنوع ارائه شده بود که با یک تفسیر موسع، قید شرع نیز در آن ذکر شده بود.

بر اساس بند «ف» ماده‌ی ۱ قانون امور گمرکی «کالای ممنوع» کالایی است که صدور یا ورود آن بنا به مصالح ملی یا شرع مقدس اسلام به موجب قانون ممنوع اعلام شده است.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۶ اداره حقوقی قوه قضاییه

تعریف کالای ممنوع و مصادیق آن همان است که در فصل چهارم قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به ویژه تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۲۲ آن اعلام شده است و در فرض سؤال که ورود یا خروج بعضی از محصولات کشاورزی به‌طور مقطعی با تصمیمات اداری مقامات ذی‌ربط ممنوع اعلام می‌شود، موضوع از مصادیق کالای ممنوع نیست. لذا به نظر می‌رسد که هدف مقنن از تعریف کالای ممنوع، مواردی را شامل می‌شود که به موجب متون قانونی ممنوع اعلام شده باشد. بنابراین چنانچه در برخی موارد به موجب برخی از بخشنامه‌های

دولتی یا مصوبات دولتی مانند سازمان گمرک و یا وزارت صنعت، معدن و تجارت، برخی از آنها بنا بر مصالحی ممنوع اعلام شود، از شمول مقررات حاکم بر کالای ممنوع خارج هستند و تنها کالایی ممنوع است که به موجب قانون ممنوع اعلام شده باشد و ای به آن جهت است که قانون‌گذار مجازات به مراتب شدیدتری برای آن‌ها در نظر گرفته است.

۲-۵- عدم توجه به تفاوت جریمه نقدی و جزای نقدی

همان‌طور که قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مقرر کرده است، قانونگذار در ماده‌ی ۱۸ این قانون که در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است، به درستی کلمه جریمه‌ی نقدی را بکار برده است و در ماده‌ی ۲۲ قانون اخیر هم، مواردی را احصا کرده است که در صلاحیت دادگاه انقلاب است و به درستی از کلمه‌ی جزای نقدی استفاده کرده است. سپس قانونگذار در ماده‌ی ۷۱ قانون مذکور بیان داشته است، جزای نقدی مقرر در این قانون از سوی مرجع رسیدگی کننده قابل تعلیق و تخفیف نیست و هم اکنون برخی شعب تعزیرات حکومتی در مقام تفسیر مواد ذکر شده، قائل به عدم تخفیف و برخی دیگر قائل به امکان تخفیف در جریمه نقدی هستند که این موضوع با ظاهر این قانون در تعارض است (غلامی، نمروزی، ۱۳۹۸: ۳۶).

۲-۶- ابهام در عنصر روانی

یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با قاچاق کالا و ارز که همواره نامعلوم بوده است، چگونگی رکن روانی قاچاق کالا و ارز است. سیر تقنینی قاچاق مبین آن است که قانونگذار در تلافی با این مهم، همواره حکم را به سکوت برگزیده است که همین امر موجب ایجاد رویه‌های مغایر شده است؛ لذا در قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۰۷ علاوه بر این که تعریفی از قاچاق ارائه نشده بود، به تشریح وضعیت رکن معنوی نیز اشاره‌ای نشده بود، و با توجه به اصلاحات متعددی که سال‌ها در قانون مذکور خلق شد، قانونگذار همچنان وجوب اشاره به تبیین رکن معنوی قاچاق را الزامی نپنداشت. در قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱ نیز، در ماده‌ی ۲۹، قانونگذار به تبیین مصادیق قاچاق پرداخته بود و همچنان اقتضاء تبیین رکن معنوی قاچاق ضروری احساس نشده بود؛ و همچنین قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴.

با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، علی‌رغم این که قانونگذار در

بند «الف» ماده‌ی ۱ به تعریف قاچاق پرداخته است، لکن همچنان تصریح به وضعیت رکن روانی نشده است و قانونگذار برخلاف تعاریف عناوین و مصادیق مجرمانه در این قانون، در خصوص رکن روانی قاچاق کالا و ارز سکوت اختیار کرده است. این در حالی است که در خصوص عنوان «حمل کالای قاچاق» در ماده‌ی ۶۴ قانون مزبور، «علم و اطلاع» مرتکب از قاچاق بودن محموله را شرط تحقق جرم دانسته بود. این ماده مقرر می‌داشت: «هر شخصی که با علم و اطلاع مرتکب جرم حمل کالا یا ارز قاچاق شود و نتواند ارسال کننده و یا صاحب اصلی آن را تعیین نماید، علاوه بر ضبط کالا یا ارز، به مجازات‌های مقرر در مورد مالک کالا و ارز نیز محکوم می‌شود.» و جالب‌تر آن که این ماده به موجب ماده‌ی ۱۱ قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۴/۷/۲۲ مجلس شورای اسلامی نسخ شد و هیچ ماده‌ای جایگزین آن نشد و رکن روانی عنوان «حمل کالای قاچاق» در تاریکی بیشتری فرو رفت. بنابراین تاکنون در قوانین مرتبط با قاچاق کالا و ارز در نظام حقوقی ما به رکن روانی قاچاق کالا به معنای اخص، وارد و خارج کردن کالا، اشاره‌ای نشده است، در عین حال قانونگذار در مورد حمل کالای قاچاق و بعضی از جرایم مرتبط با قاچاق کالا مانند بند «ب» و «ج» ماده‌ی ۱۱۳ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰ تصریح به رکن روانی را لازم دانسته است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که قانونگذار از تصویب اولین قانون در این حوزه تاکنون، خواهان تعریف رکن روانی در جرایم قاچاق کالا و ارز نبوده و این اقدام وی ارادی و دال بر دیدگاه سخت‌گیرانه و تمایل وی به مادی صرف شناختن این جرایم بوده است و از سوی دیگر رویه قضایی ادوار مختلف نیز، از دیدگاه واحدی پیروی نکرده است و جهت‌گیری‌های متفاوتی را در این باره اعمال کرده است (ابراهیمی، دانش، ۱۳۹۸، ۲۹۲).

۲-۷- کالای قاچاق مخلوط با دیگری

ماده‌ی ۱۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر داشته است: «در صورتی که کالای قاچاق موضوع ماده‌ی ۱۸ این قانون با کالای دیگر مخلوط شود و امکان تفکیک وجود نداشته باشد تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های ماده‌ی مذکور و سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیر قاچاق از حاصل فروش به مالک مسترد می‌شود.»

به موجب ماده‌ی ۴۶ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحات بعدی (که به موجب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نسخ شده است)، چنانچه

امکان تفکیک کالای قاچاق از غیر آن میسر نبود، کل کالا به نفع دولت ضبط و جریمه به نسبت کالای قاچاق محاسبه می‌شد. در ماده مذکور به جهت رفع ایرادات شورای نگهبان از حیث مغایرت با شرع مقدس اسلام، مقرر شده است که چنانچه جریمه متعلقه و سایر هزینه‌های قانونی از محل حاصل فروش برداشت شود و کماکان مبلغی بماند، به نسبت کالای غیرقاچاق به مالک آن مسترد شود. بدیهی است اصولاً این ماده در مواردی موضوعیت پیدا می‌کند که درصد کالای غیرقاچاق مخلوط شده بسیار بیشتر از کالای قاچاق باشد (نقدی، گلی، ۱۳۹۴، ۷۸). ماده‌ی ۱۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در خصوص مخلوط کردن کالای قاچاق موضوع ماده‌ی ۱۸ یعنی کالای غیرممنوع با کالایی که قاچاق نیست و امکان تفکیک آن وجود ندارد، صریحاً تکلیف را مقرر کرده است، بدین شرح که اگر کالای قاچاق موضوع ماده‌ی ۱۸ با کالایی دیگر مخلوط شود (کالای غیرقاچاق) و امکان تفکیک آن وجود نداشته باشد، تمام کالا ضبط و پس از کسر جریمه‌های موضوع ماده‌ی مذکور و نیز سایر هزینه‌های قانونی به نسبت کالای غیرقاچاق از حاصل فروش، به مالک مسترد شود، لذا از آن جا که در ماده‌ی ۱۹ این قانون صراحتاً به مخلوط شدن کالای غیرممنوع یعنی کالای مجاز، مجاز مشروط و یارانه‌ای با کالای غیرقاچاق اشاره شده است، در مواردی که کالای غیرممنوع با کالای ممنوع مخلوط شود، قانون ساکت است و در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد و به نظر می‌رسد که باید در این موارد با تفسیر به نفع متهم، کالای ممنوع را کالای مجاز مشروط تلقی کرد.

۲-۸- رویکرد کیفرگرا و سرکوبگر

با توجه به سابقه‌ی تقنینی قاچاق کالا و ارز در نظام حقوق کیفری ایران، وجود رویکردی کیفرگرا در تمامی قوانین مربوطه مشهود است. این رویکرد نیز در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ به عنوان آخرین اراده‌ی سیاست‌گذاران جنایی در حوزه قاچاق کالا و ارز مشهود است. توسل قانونگذار جهت پاسخ‌دهی به اعمال مجرمانه و تخلفات مرتبط در قانون اخیر، به انواع مختلف ضمانت اجرای موجود در زرادخانه‌ی کیفری متوسل شده است تا احساس نکند در برابر مرتکبان خلع سلاح شده است. ضبط و مصادره‌ی اموال، جزای نقدی، حبس، شلاق، انفصال از خدمات دولتی، مجازات‌های تکمیلی و حتی در مواردی مجازات‌های سالب حیات از آن جمله‌اند (ابراهیمی، دانش، ۱۳۹۸: ۲۸۵) و این در حالی است که مطالعات آماری و تحلیل‌های د های اخیر

در ارتباط با اثربخشی کیفر، تا حد زیادی، کیفرگرایی مفرط در واکنش به جرایم را مورد انتقاد قرار داده‌اند. ایراد این کیفرگرایی زمانی دوچندان می‌شود که این رویکرد سخت‌گیرانه نسبت به جرایم دارای قبح ساختگی و قراردادی، مانند قاچاق کالا و ارز به کار رود؛ جرایمی که برخی مرتکبان آن، اساساً خود را بزهکار نمی‌دانند و در صورت ارتکاب، آن را موجه می‌سازند. بر همین اساس، برخورد سخت‌گیرانه و مجازات‌های شدید تاکنون نتوانسته‌اند مانع ارتکاب قاچاق در اشکال مختلف آن شود (سعیدی، ۱۳۹۷: ۱۵۰). با این حال این نکته را نباید فراموش کرد که در فضای نابسامان اقتصادی حاکم بر جامعه کنونی ما، قاچاق کالا یک واقعیت غیر قابل انکار است که بیش از آن که شیوع و گستردگی آن، معلول ناکافی بودن رویکردهای بازدارنده و برخوردهای فیزیکی باشد، ریشه در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های نادرست و ناکارآمد کلان اقتصادی و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی کشور دارد. به عبارتی در مواردی که با قاچاق کالا و ارز مواجه هستیم، به جای رویکردهای علت‌شناسانه، صرفاً با تکیه بر سیاست کیفری و رویکرد بازدارندگی از طریق تعیین مجازات‌های سنگین، به مقابله‌ای سرسخت و پرهزینه با معلول پرداخته می‌شود. امروزه مطالعات جرم‌شناختی این نتیجه را رهنمون ساخته است که شدت و سنگینی کیفر، تا زمانی که منافع حاصل از ارتکاب جرم برای مرتکبین، جرأت ریسک‌پذیری را در پی داشته باشد، بازدارنده نخواهد بود. به عبارتی با توجه به سخنان رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۸۱ در خصوص مبارزه با قاچاق کالا و ارز خطاب به رئیس جمهوری وقت، مبنی بر این که کالای قاچاق باید همواره در معرض خطر باشد، یعنی ریسک ارتکاب قاچاق بالا باشد، لذا به نظر می‌رسد جهت کاهش پدیده‌ی قاچاق کالا و ارز باید به جای توسل صرف به رویکردهای کیفرگرا، زیرساخت‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کلان را به گونه‌ای تدوین کرد که اساساً قاچاق کالا و ارز و ورود از مبادی غیر رسمی، هیچ‌گونه توجیح اقتصادی و منافع مالی را برای قاچاقچیان به همراه نداشته باشد و نیز تا زمانی که سیاست‌گذاری‌ها ناکارآمد باشد، سایه شوم اقتصاد پنهان ناشی از قاچاق کالا و ارز، بر پیکر اقتصاد عمومی کشور همچنان گسترده باقی خواهد ماند.

۳- چالش‌های موجود در حوزه مجازات‌های قاچاق

قاچاق کالا پدیده‌ای است که از مبداء متشکل شدن نظام‌های اقتصادی و رغبت

دو تها به تنظیم، کنترل و نظارت بر اقتصاد مطرح شد و با افزونی مداخله‌ی دو ها در این امر، رشد پیدا کرد و تقریباً از اوایل قرن بیستم در نظام‌های حقوقی متعدد، مورد وجه سیاست‌گذاران جنایی قرار گرفت. به تدریج دولت‌ها علیه این پدیده جبهه گرفته و به طریقه‌های گوناگون درصدد رویارویی با آن برآمده‌اند. به‌طور کلی در پیشگیری و مقابله با قاچاق دو رویکرد حاکم است؛ رویکرد اول که در کشورهای توسعه یافته حاکم است، قاچاق را تحت عنوان یک پدیده اقتصادی شناخته و با ارائه‌ی راهکارهای اقتصادی و اجتماعی به پیشگیری و مقابله با آن پرداخته و رویکرد دوم که در کشورهای فاقد نظام اقتصادی منسجم و کمتر توسعه یافته حاکم است، با یک رویکرد امنیتی و حفاظتی، تمرکز خود را بر کنترل و حفاظت از مرزها و تقویت تم‌های گمرکی و وضع قوانین متعدد گذاشته. در این کشورها نسبت به قاچاق کالا و ارز یک دیدگاه امنیتی وجود دارد و با وضع قوانین کیفری سخت‌گیرانه، به پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز می‌پردازند. باتوجه به قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ مسجل است که نظام حقوقی کشور ما، از رویکرد دوم در مبارزه با قاچاق کالا و ارز استفاده کرده است و در واقع در کارزار با این پدیده، یک رویکرد واکنش محور عرضه کرده است. این رویکرد، با تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ بسیاری از رفتارهای پیوسته با این پدیده‌ی اقتصادی را جرم‌انگاری کرده و گونه‌های متفاوت کیفر، اعم از ضبط کالا، ضبط خودرو حامل، جزای نقدی، حبس، شلاق، اعدام و مجازات‌های تکمیلی، متوسل شده است که به‌نظر می‌رسد این کیفرگرایی قانونگذار، مبتنی بر قبح‌ساختگی و قراردادی در خصوص جرم قاچاق کالا و ارز می‌باشد. لذا به‌نظر می‌رسد که این جرم‌انگاری بسیط و کیفرگرایی قانونگذار موجب شده است تا این پدیده، نه به عنوان یک رفتار اقتصادی، بلکه به عنوان جرم در فرایندهای عدالت کیفری ظاهر شود و ای است که مبتنی بر پیش‌فرض بزهکار دشمن ارائه شده است، ممکن است در عمل به ضد خود تبدیل شود و در نتیجه دولت موفق به کنترل قاچاق کالا و ارز نشود (ابراهیمی، دانش، ۱۳۹۸، ۲۸۲).

۳-۱- قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط و یارانه‌ای

ماده‌ی ۱۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در مقام تبیین مجازات قاچاق کالاهای مجاز، مجاز مشروط، یارانه‌ای و قاچاق ارز است، که علاوه بر ضبط کالا، مجازات جزای نقدی متناسب با نوع کالا در نظر گرفته شده است. بر این اساس مجازات قاچاق کالای

مجاز که تنها سبب نقض تشریفات گمرکی می‌شود، جزای نقدی یک تا دو برابر ارزش کالا؛ مجازات کالای مجاز مشروط که علاوه بر نقض تشریفات گمرکی، مجوزهای لازم اخذ نشده است، جزای نقدی معادل یک تا سه برابر ارزش کالا؛ و مجازات کالای یارانه‌ای که اصولاً با نیازهای عموم مردم ارتباط پیدا می‌کند، جزای نقدی دو تا چهار برابر ارزش کالا مقرر شده است. در خصوص قاچاق ارز نیز علاوه بر ضبط ارز قاچاق، چنانچه قاچاق به نحو وارد کردن باشد، جریمه نقدی یک تا دو برابر بهای ریالی آن و چنانچه قاچاق به نحو خارج کردن باشد، با توجه به آسیب بیشتر آن بر پیکر نظام اقتصادی، جزای نقدی دو تا چهار برابر اخذ خواهد شد. لازم به توضیح است که با توجه به تمایز قاچاق از حمل و نگهداری کالای قاچاق، به موجب تبصره ۱ ماده ۱۸، برخلاف اصول حاکم بر جرایم اقتصادی، حمل و نگهداری کالای قاچاق، دارای مجازات قاچاق است. از طرف دیگر نیز در تبصره مذکور عرضه و فروش کالای قاچاق جرم‌انگاری شده است، غافل از این که عرضه و فروش کالای قاچاق، مستلزم نگهداری آن نیز می‌شود و به عبارت دیگر مشمول مجازات‌های مقرر در ماده ۱۸ خواهد شد و نیازی به جرم‌انگاری ثانوی نداشته است. نکته حائز اهمیت دیگر آن که در تبصره ۴ ماده ۱۸؛ خرید، فروش، حمل یا نگهداری کالاهای موضوع قاچاق به صورت تجاری قاچاق تلقی نشده، بلکه صرفاً تخلفی است که حداقل جریمه مقرر برای قاچاق را به همراه دارد. به عبارتی رفتارهای یاد شده که در حالت عادی جرم است، چنانچه به صورت تجاری ارتکاب یابد، نه تنها مجازات مشددی به دنبال نخواهد داشت، بلکه عنوان مجرمانه نیز نداشته و صرفاً تخلف محسوب شود و در آخر از آن جایی که در این ماده قانونگذار برای جرم قاچاق مجازات تعیین کرده است، لازم است که عبارت «عمدی بودن» رفتار اضافه شود، یعنی مرتکب باید آگاهی داشته باشد و بداند که رفتار وی مشمول عنوان قاچاق است. به عبارت دیگر نمی‌توان فردی را بر اساس رفتاری که نسبت به آن علم و آگاهی ندارد، مجازات کرد. لذا عدم اشاره این ماده به وجود قصد مجرمانه، دارای اشکال است (کل‌پور، ۱۳۹۳، ۱۱).

۳-۲- قاچاق کالای ممنوع

ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ناظر بر تعیین مجازات قاچاق کالای ممنوع و نیز نگهداری، حمل و فروش می‌باشد. بر این اساس مجازات قاچاق کالای ممنوع در مواردی که ارزش کالا تا ده میلیون ریال باشد جزای نقدی معادل دو تا سه برابر، و

چنانچه ارزش کالا از ده میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال باشد جزای نقدی معادل سه تا پنج برابر، و در صورتی که ارزش کالا از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال باشد حبس بیش از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی معادل پنج تا هفت برابر ارزش کالا و در صورتی که ارزش قاچاق کالای ممنوع بیش از یک میلیارد ریال باشد دو سال تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل هفت تا ده برابر ارزش کالا خواهد بود.

همان طور که مشخص است قانونگذار با توجه به ارزش کالای قاچاق در چهار حالت، جزای نقدی متناسب با ارزش کالای قاچاق تعیین کرده است. لکن ایرادی که بر این اقدام وارد است آن است که دلیل ای که نسبت جزای نقدی در مواردی که ارزش کالای قاچاق بیشتر است افزایش پیدا می کند مشخص نیست؛ چرا که در قواعد حقوق کیفری هنگامی که از مجازات جزای نقدی نسبی استفاده می شود یک نسبت برای تمامی مصادیق در نظر گرفته می شود. به عبارتی در این موارد با افزایش ارزش موضوع جرم، به همان نسبت میزان جزای نقدی افزایش پیدا کرده و دلیلی برای افزایش نسبت تعیین مجازات توجیهی ندارد. به عبارتی با توجه به این که با افزایش ارزش کالا میزان جزای نقدی نسبی افزایش پیدا می یابد، نیازی به افزودن به میزان نسبت در این موارد وجود ندارد. همچنین با عنایت به بند ب و پ ماده ۲۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مرتکبان قاچاق کالای ممنوعه، رچند به طور جزئی مرتکب قاچاق کالای کم ارزش شده باشند، به مجازات حداقل شش ماه حبس را محکوم خواهند شد که این امر بر خلاف اصل تناسب میان جرائم و مجازات ها می باشد و مجازاتی سنگین و نامتناسب تعیین شده است. همچنین در مواردی که برخی قوانین به صورت موقت ورود و صدور کالایی را ممنوع کرده، با توجه به ناآگاهی مردم از این قوانین و عدم رفع مسئولیت کیفری آنان در دادگاه ها، اعمال این قبیل مجازات ها با ایراد بیشتری مواجه خواهد بود (توکل پور، ۱۳۹۳، ۱۳).

۴- چالش های قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تعامل با قانون مجازات اسلامی

۴-۱- مجازات تکمیلی در جرایم قاچاق کالا و ارز

در خصوص مجازات تکمیلی جرایم قاچاق کالا و ارز، علی رغم این که ماده ۶۳ قانون

مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مجازات تکمیلی را مشمول قانون مجازات اسلامی دانسته است، لکن قانونگذار در ماده‌ی ۶۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز، حکمی خاص برای مجازات تکمیلی مقرر نموده است. لذا به نظر می‌رسد که عبارت «مجازات تبعی و تکمیلی» در ماده‌ی ۶۳ باید حذف شود.

ماده‌ی ۶۹ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «مرجع رسیدگی کننده ذی‌صلاح حسب مورد می‌تواند با توجه به شرایط، نحوه، دفعات ارتکاب جرم و شخصیت مرتکب، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، وی را به عنوان تکمیل مجازات، به یک یا چند مورد مرتبط از محرومیت‌های زیر محکوم نماید:

الف. تعلیق موقت یا ابطال دائم:

- کارت بازرگانی
- کارت مبادلات مرزی
- کارت ملوانی
- روانه کسب، تأسیس، بهره‌برداری یا حق‌العمل‌کاری
- پروانه حمل و نقل
- گواهینامه رانندگی وسایل نقلیه زمینی، دریایی و هوایی

ب. تعطیل موقت یا دائم محل کسب و پیشه و تجارت

پ. محرومیت از اشتغال به حرفه یا حرف خاص از یک تا پنج سال

ت. محرومیت از تأسیس شرکت و یا عضویت در هیئت مدیره و مدیرعاملی اشخاص حقوقی از یک تا پنج سال

ث. ممنوعیت خروج از کشور تا پنج سال.»

در این خصوص لازم به توضیح است که تناسب مجازات تکمیلی با نوع جرم و شخصیت مرتکب که همانند ماده‌ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی بدان تصریح شده است، در ماده‌ی مذکور نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که در ماده‌ی ۲۳ شرط «تناسب» مجازات تکمیلی با جرم ارتكابی ذکر شده است لکن در ماده‌ی ۶۹، قانونگذار از عنوان «یک یا چند مورد مرتبط» استفاده کرده است که تسامحاً می‌توان

هر دو را به یک معنا پذیرفت. لکن تفاوت‌هایی وجود دارد بدین شرح که اولاً در قانون مجازات اسلامی مدت مجازات تکمیلی مشخص شده است، لکن در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مدت مجازات تکمیلی در برخی موارد مشخص شده و در برخی موارد خیر. ثانیاً تعیین مجازات تکمیلی در ماده‌ی ۲۳ قانون مجازات اسلامی ضابطه‌مند بوده (جرایم حدود، قصاص، تعزیرات درجه ۱ تا ۸)، لکن در ماده‌ی ۶۹ چنین ضابطه‌ای وجود ندارد.

ابهامی که در این خصوص وجود دارد این است که آیا علاوه بر مجازات‌های تکمیلی مصرح در ماده‌ی ۶۹، می‌توان مطابق با ماده‌ی ۲۳ نیز به یکی از مجازات‌های تکمیلی مانند انتشار حکم محکومیت حکم صادر کرد؟ به نظر می‌رسد که قانونگذار در ماده‌ی ۶۹ به صورت خاص و البته حصری، مجازات‌های تکمیلی در خصوص جرایم قاچاق را تعیین نموده است. هر چند برخی از مجازات‌های مصرح در ماده‌ی ۶۹، در ماده‌ی ۲۳ نیز وجود دارد، مانند محرومیت از اشتغال یا ممنوعیت خروج از کشور، و با توجه به این که به نظر می‌رسد امکان تعیین مجازات‌های تکمیلی در ماده‌ی ۲۳ در جرایم موضوع قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز وجود ندارد، و از طرفی نیز ماده‌ی ۶۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مجازات تکمیلی جرایم قاچاق را مشمول ماده ۲۳ دانسته است، به نظر می‌رسد در مواردی که در خصوص مجازات تکمیلی در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با سکوت مقنن مواجه هستیم، می‌توان به قانون مجازات اسلامی (مانند مدت مجازات تکمیلی) رجوع کرد. مانند این که در ماده‌ی ۶۹ و بندهای «الف» و «ب» که به تعلیق موقت اشاره شده است، لکن مدت آن تعیین نشده است، می‌توان به قانون مجازات اسلامی و تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۲۳ رجوع کرد.

۴-۲- شروع به جرم در جرایم قاچاق کالا و ارز

ماده‌ی ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «مجازات شروع به قاچاق، علاوه بر ضبط کالا یا ارز حسب مورد حداقل مجازات قاچاق کالا و ارز موضوع این قانون است.

تبصره- چنانچه وسایل نقلیه حامل کالای ممنوع به آب‌های تحت نظارت جمهوری اسلامی ایران داخل یا قبل از ورود از طریق قرائن و اماراتی حرکت به مقصد ایران احراز شود و یا اقدامات فوق با همکاری شناورهای ایرانی انجام شود، حامل به مجازات شروع به جرم موضوع این ماده محکوم می‌شود.»

قانونگذار در اصلاحات سال ۱۳۹۴ مجازات شروع به جرم قاچاق را به‌طور خاص در ماده‌ی ۶۸ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مقرر کرده است. در این خصوص نکاتی حائز اهمیت است بدین شرح که اولاً شروع به قاچاق کالا و ارزی که در صلاحیت دادگاه انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان‌های کاشف است، مشمول ماده‌ی ۶۸ می‌شوند، زیرا قانونگذار صراحتاً شروع به «قاچاق» و نه شروع به «جرم قاچاق» را در ماده‌ی مذکور قید کرده است، ثانیاً از آن‌جا که قانونگذار صراحتاً مقرر کرده است «شروع به قاچاق»، لذا اعمال ماده‌ی مذکور در حمل، نگهداری و فروش کالای قاچاق محل تردید است، ثالثاً در جرایم غیر از قاچاق که در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز جرم‌انگاری شده‌اند مانند جرم موضوع ماده‌ی ۳۳، شروع به جرم این موارد از شمول ماده‌ی ۶۸ خارج است و باید ماده‌ی ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ملاک عمل قرار گیرد، رابعاً بر اساس بند «ز» ماده‌ی ۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «هرگونه اقدام به خارج کردن کالا از کشور ...»، شروع به خارج کردن کالا از کشور قاچاق محسوب می‌شود و این در حالی است که هرگونه اقدام می‌تواند تحت عنوان شروع به جرم نیز قرار گیرد؛ لذا بند «ز» ماده‌ی ۲ قانون مذکور با ماده‌ی ۶۸ در تعارض است.

لازم به ذکر است که بر اساس ماده‌ی ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹/۲/۲۳ به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، قانونگذار به‌طور مطلق تمامی مصادیق شروع و معاونت در جرایم قوانین خاص را تابع مقررات قانون مجازات اسلامی دانسته است. هرچند قانونگذار به‌طور مطلق اقدام به نسخ همه مصادیق شروع و معاونت در جرایم قوانین خاص نموده است، لکن در این خصوص اختلاف نظرهایی وجود دارد مبنی بر این که برخی از حقوقدانان معتقد بر این نظر هستند که ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، شامل تمامی مصادیق شروع و معاونت در جرم، در سایر قوانین، اعم از اینکه قبل یا بعد از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تصویب قانونگذار قرار گرفته‌اند می‌شود. برخی دیگر نیز معتقد بر این نظر هستند که ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، صرفاً شامل مصادیق معاونت و شروع به جرم‌هایی می‌شود که تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در سایر قوانین به‌طور خاص تعیین شده‌اند، لذا در مواردی که بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در سایر قوانین تحت عنوان معاونت یا شروع به جرم به صورت مستقل برای آن‌ها مجازات

تعیین شده است، همچنان معتبر است و از شمول ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری خارج هستند.

در این باره، دلایل حقوقدانانی که معتقد بر شمول ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر تمامی مصادیق معاونت و شروع به جرم در سایر قوانین، اعم از قبل یا بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هستند این است که اولاً قانونگذار با علم به وجود مصادیق معاونت و شروع به جرم در سایر قوانین، بعد از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بصورت مطلق اقدام به تصویب ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری کرده است، ثانیاً قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به عنوان یک قانون مستقل تصویب شده است، لذا ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر تمامی مصادیق خاص معاونت و شروع به جرم تا قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌شود، ثالثاً هدف قانونگذار از تصویب ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، نسخ همه‌ی مصادیق خاص قانونی معاونت و شروع به جرم و یکسان‌سازی و تبعیت از قواعد عام قانون مجازات اسلامی و نیز پایان دادن به اختلافات بین محاکم نسبت به تعارض مواد ۱۲۲ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی با مصادیق خاص شروع به جرم و معاونت در سایر قوانین خاص بوده است و در تکمیل این نظریات نیز، اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۴۸۸ مورخ ۱۳۹۹/۴/۲۴ بیان کرده است که با توجه به ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، تمامی مصادیق خاص قانونی که در آن معاونت و شروع به جرم بصورت خاص مجازات تعیین شده است نسخ می‌شود، بنابراین مطابق با این نظریه، تمامی مصادیق معاونت و شروع به جرم در سایر قوانین اعم از اینکه قبل یا بعد از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تصویب قانونگذار قرار گرفته‌اند نسخ و تابع قواعد عام قانون مجازات اسلامی خواهند بود.

لکن در مقابل برخی دیگر از حقوقدانان که معتقد بر شمول ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بر مصادیق معاونت و شروع به جرم در سایر قوانین تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ هستند، بیان کرده‌اند با توجه به این که قانونگذار در هنگام وضع مقررات مزبور پس از تصویب قانون مجازات اسلامی از ماده‌ی ۱۲۷ این قانون آگاهی داشته است و با وجود آن، مقررات بعدی را پیش‌بینی کرده است (منظور ماده‌ی ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری)، و همچنین با لحاظ این که

در قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۹۹ مقررهای که دلالت بر نسخ این دسته از مقررات داشته باشد، وجود ندارد، مقررات مزبور (یعنی مصادیق خاص معاونت و شروع به جرم در سایر قوانینی که بعد از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد تصویب قانونگذار قرار فته‌اند) به قوت خود باقی بوده و باید برای شروع و معاونت در جرایم موضوع مقررات یاد شده طبق مقررات خاص، مجازات تعیین شود (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ۱۵۰).

۴-۳- انتشار حکم محکومیت در جرایم قاچاق کالا و ارز

به‌طور کلی انتشار حکم محکومیت در ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی بدین شرح پیش‌بینی شده است: «حکم محکومیت قطعی در جرائم موجب حد محاربه و افساد الارض یا تعزیر تا درجه چهار و نیز کلاهبرداری بیش از یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال در صورتی که موجب اخلاف در نظم یا امنیت نباشد در یکی از روزنامه‌های محلی در یک نوبت منتشر می‌شود.

تبصره- انتشار حکم محکومیت قطعی در جرائم زیر که میزان مال موضوع جرم ارتكابی، یک میلیارد (۱.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا بیش از آن باشد، الزامی است و در رسانه ملی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر می‌شود:

الف. رشاء و ارتشاء

ب. اختلاس

پ. اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی در صورت تحصیل مال توسط مجرم یا دیگری

ت. مداخله‌ی وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری

ث. تبانی در معاملات دولتی

ج. أخذ پورسانت در معاملات خارجی

چ. تعدیات مأموران دولتی نسبت به دولت

ح. جرائم گمرکی

خ. قاچاق کالا و ارز

د. جرائم مالیاتی

ذ. پولشویی

ر. اخلال در نظام اقتصادی کشور

ز. تصرف غیرقانونی در اموال عمومی یا دولتی.»

در این خصوص لازم به توضیح است که انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات تکمیلی، در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز قابل اعمال نیست، زیرا در ماده‌ی ۶۹ قانون مذکور اشاره‌ای به آن نشده است؛ لکن انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات اصلی در جرایم قاچاق وجود دارد، زیرا در بند «خ» تبصره ماده‌ی ۳۶ قانون مجازات اسلامی، به جرم قاچاق کالا و ارز اشاره شده است که انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده است. اما ابهامی که وجود دارد این است که آیا انتشار حکم محکومیت توسط سازمان تعزیرات حکومتی امکان‌پذیر است یا خیر؟ با توجه به ماده‌ی ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که قاچاق را از جرایم اقتصادی معرفی نموده است، و تفسیر ماده‌ی ۵۶ آن است که منظور «جرایم قاچاق» را از جرایم اقتصادی معرفی کرده است، نه «تخلفات»، لذا با توجه به این که سازمان تعزیرات حکومتی صلاحیت رسیدگی به تخلفات قاچاق را دارد و صلاحیت رسیدگی به جرایم را ندارد، بنابراین امکان انتشار حکم محکومیت به عنوان مجازات اصلی توسط سازمان تعزیرات حکومتی وجود ندارد.

جه گیری

یکی از مهم‌ترین جرایمی که امنیت کشور را آشکارا، مستقیم و طولانی مدت خدشه‌دار کرده است، قاچاق است. با توجه به اثرات مخرب پدیده‌ی قاچاق بر استقلال اقتصاد کشور، صنعت و تولید ملی، سلامت و امنیت جامعه و به منظور حمایت از فضای مناسب برای سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید ملی و فعالیت سالم اقتصادی و صیانت از حقوق دولت و اعمال نظارت بر ورود کالا به کشور، لازم است اقداماتی فراگیر در امر پیشگیری و مقابله با قاچاق انجام گیرد به گونه‌ای که با ریشه‌کن کردن آن یا به حداقل رساندن حجم کالای قاچاق، خطر جدی و بزرگ این جریان بر اقتصاد کشور خنثی شود. از این‌رو در سالیان گذشته پدیده قاچاق به صورت یک معضل جدی و تهدیدکننده در اقتصاد کشور درآمده و در حال حاضر نیز از جمله موانع اصلی رسیدن به اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. به همین جهت پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، با توجه به آثار مخربی که در سطح اقتصاد ملی و سایر حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از خود به جای می‌گذارد، امروزه به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی کشور مطرح و مبارزه با آن جزء اولویت‌های قوای سه‌گانه است. واقعیت این است که هرچند قاچاق متأثر از عوامل گوناگونی همچون عوامل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است، لکن وجود ضعف‌های قانونی و آسیب‌های موجود در رویکرد سیاست جنایی در پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز نیز، یکی از مهم‌ترین عوامل ارتکاب این بزه است. حجم گسترده قاچاق در کشور، از گذشته تاکنون، بیانگر این مهم است که حقیقتاً سیاست‌گذاران جنایی در این حوزه نتوانسته‌اند رویکرد مناسبی در جهت پیشگیری و مقابله با این پدیده‌ی شوم اتخاذ کنند؛ لذا به منظور رفع این نقصان، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با همکاری قوای مجریه و مقننه تصویب و اصلاحات گسترده‌ای را در این حوزه ایجاد کرد. چنانچه منصفانه به این قانون نگاه کنیم، نکات قوت و نوآوری‌های چشمگیری از جمله: ۱- ارائه‌ی تعریف مشخص از قاچاق و ذکر مصادیق آن؛ ۲- تشکیل ستاد عالی متشکل از عالی‌ترین مقامات مرتبط با قاچاق؛ ۳- ورود ادبیات پیشگیری و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه؛ ۴- پیش‌بینی جرایم قاچاق سازمان‌یافته و حرفه‌ای؛ ۵- قه‌بندی مجازات‌ها بر اساس نوع کالا؛ ۶- احصاء و دته‌بندی جرایم مرتبط با قاچاق؛ را در بر داشته است. علی‌رغم نوآوری‌های مذکور، ابهامات و چالش‌هایی نیز بر این قانون وارد است؛ چالش‌هایی از جمله: ۱- وجود رویکرد

بازدارندگی کیفرگرا و سرکوبگر با توجه به عدم صرفه جویی در جرم‌انگاری، کیفرگرایی مفرط، ممنوعیت اعمال نهادهای ارفاقی؛ ۲- ابهام در تعریف قاچاق و توسعه‌ی مصادیق قاچاق؛ ۳- عدم تناسب جرایم و مجازات‌ها؛ ۴- عدم انطباق با برخی از کنوانسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛ ۵- مغایرت با برخی اصول کلی حاکم بر جرایم اقتصادی؛ ۶- تعارض میان قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز و قانون امور گمرکی در برخی موارد. شایسته است که با بررسی مجدد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ایرادات و نقایص مزبور مورد بازبینی قرار گیرد و اقدام مقتضی به عمل آید.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام، دانش، مصطفی، (۱۳۹۸)، «تحلیل شکلی و ماهوی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۹، شماره ۲، ۳۰۹-۲۸۱.
۲. احمدی، سمیه، (۱۳۹۴)، پیشگیری از قاچاق کالا و ارز با تأکید بر نوآوری‌های قانونگذار، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمای دکتر نریمان فخری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قدس.
۳. بهره‌مند، حمید، (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی قوانین مربوط به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات مرکز مطبوعات و نشر قوه قضاییه.
۴. پورابراهیم، احمد، (۱۳۹۱)، «رویکردی به پدیده قاچاق کالا و ارز در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی»، مجله تخصصی حقوق اقتصادی، سال ۲، شماره ۳، ۲۶۸-۱۹۹.
۵. کل‌پور، محمدهدی، (۱۳۹۳)، نظرات استدلالی شورای نگهبان لایحه مبارزه با قاچاق کالا و ارز، گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان.
۶. دانشمند، فاطمه، (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمای دکتر علی مزیدی شرف‌آبادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت.
۷. ذاکری، احمد، (۱۳۹۴)، نقد و آ‌ب‌شناسی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، به راهنمای دکتر عادل ساریخانی، قم، دانشگاه قم.

۸. ذبحی، حسین، (۱۳۹۸)، مجموعه محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران، چاپ دوم، نشر نگاه بینه.
۹. زراعت، عباس، (۱۳۹۵)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، نشر جنگل.
۱۰. ساکی، محمدرضا، (۱۳۹۶)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ چهارم، تهران، نشر جنگل.
۱۱. سعیدی، سامان، (۱۳۹۷)، «مطالعه تطبیقی تدابیر واکنشی و پیشگیری از جرم قاچاق کالا در حقوق ایران و آمریکا»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، دوره سوم، شماره ۳۲، ۱۴۹-۱۶۲.
۱۲. شعرا، سپیده، (۱۳۹۸)، «پیشگیری وضعی از قاچاق کالا و ارز به وسیله تدابیر فنی در قوانین جزایی ایران»، مجله بین‌المللی پژوهش ملل، شماره ۴۲، ۷۷-۹۰.
۱۳. صالحی، رضا، (۱۴۰۰)، تحلیل جرایم قاچاق کالا و ارز، تهران، نشر مهرکلام.
۱۴. غلامی، حسین؛ نمروری، رحیم، (۱۳۹۸)، «تحلیل جرم شناختی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوقی قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۸، ۱۹-۴۰.
۱۵. قاسمی، راضیه؛ نصر، امین، (۱۴۰۰)، آ. ب. شناسی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز با تأکید بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، «فصلنامه حقوق و مطالعات نوین»، دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۳، ۱-۲۰.
۱۶. کریمی، قاسم، صلاحی، جاوید، (۱۳۹۵)، «بررسی پیشگیری کیفری و غیر کیفری در زمینه قاچاق کالا و ارز»، مجله فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۲، ۷۵-۸۲.
۱۷. کریمی، قاسم، صلاحی، جاوید، (۱۳۹۵)، «پیشگیری از جرایم قاچاق کالا و ارز بر مبنای قوانین موضوعه»، مجله فصلنامه مطالعات حقوق، شماره ۲، ۳۳-۴۸.
۱۸. منصورآبادی، عباس، (۱۳۹۹)، مختصر حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان.
۱۹. موسوی، سید محمود، (۱۳۹۶)، «بررسی قاچاق کالا و تحلیل قانونی جرم آن»، مطالعات علوم سیاسی، مجله حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۳/۱، ۱۰۵-۱۲۱.
۲۰. نصر باغ مهبیاری، امین، (۱۴۰۰)، آ. ب. شناسی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا و ارز با تأکید بر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد به راهنمای دکتر راضیه قاسمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

تیران.

۲۱. نقدی، ابراهیم، گلی، رضا، (۱۳۹۴)، محشای قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، تهران، نشر مسیر دانشگاه.

۲۲. ولیدی، محمدصالح، (۱۳۸۶)، «نگاهی به خلاء قانونی و کاستی‌های کاربردی قوانین»، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، شماره ۱، ۲۷۹-۳۴۰.

۲۳. ولیدی، محمدصالح، (۱۳۹۳)، حقوق کیفی اقتصادی، تهران، نشر میزان.

۲۴. یوسف‌وند، محمد، (۱۳۹۶)، «پیشگیری اجتماعی از قاچاق کالا و ارز با رویکرد قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۱/۲، ۱۶۲-۱۵۰.